

توضیحات:

- ویژه کنکور دانشگاه فرهنگیان
- خلاصه + نکات مهم
- درس ۸ تا ۱۲
- با قابلیت پرینت

خلاصه و نکات مهم کتاب

دین و زندگی دهم کد ۱۱۰۲۰۴

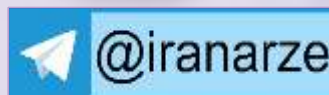
ویژه رشته ریاضی، تجربی و فنی

(فقط درس هشتم تا دوازدهم)

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار آزمون کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



❖ فصل اول: خلاصه دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی تالیف ایران عرضه - صفحه ۲

❖ فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی تالیف ایران عرضه - صفحه ۱۰

فصل اول: خلاصه دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی تالیف ایران عرضه

درس هشتم: آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم: برای آنکه در این برنامه ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

اقدامات لازم برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه

۱ تصمیم و عزم برای حرکت:

عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است. هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختیها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم های بزرگ میخواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمیآورند و مشکلات راه، آنان را به عقب نشینی وادار می کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمیدارند

بر آنچه (در این مسیر) به تو می رسد صبر کن

که این از عزم و اراده در کارهاست. ۱

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا اَصَابَكَ

اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ

۲ عهد بستن با خدا:

کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

پیشنهاداتی در مورد عهد با خدا

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم.

بعد از نماز، شب های قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳ مراقبت:

باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته میشود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی می‌فرماید: گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها میشود.

به طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۴ محاسبه و ارزیابی:

بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا

"به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند."

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمانهای محاسبه سالانه، شبهای قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی پرسیدند:

زیرک ترین انسان کیست؟ فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت میکند که این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً میتوان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهمتر اینکه میتوان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریعتر به هدف رسید.

از اینرو قرآن کریم، پیامبر (ص) را به عنوان الگو معرفی میکند و میفرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است»

و پیامبر نیز همواره از اهلبیت به عنوان انسانهایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان میشود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان میفرماید:

آگاه باش برای هر پیروی کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش {در راه خدا} و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.

دوستی با خدا

«بارالها! خوب میدانم هر کس لذت دوستی را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس با تو انس گیرد، لحظه ای از تو رویگردان نشود، بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دلبستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدمی جهت می دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیقتر و گسترده تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار میدهد. کسی که مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق شیفته خود را دانشمند یا هنرمندی قرار میدهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می سازد.

معیار ارزش واقعی انسان از نظر اندیشمندان

ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟

علی (ع) میفرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور میشود.

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیباییها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر میشود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد. محبت الهی، تنبیل را چالاک و زرنک، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور میکند و سرانجام آدمیرا از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی میرساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا میکند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

امام صادق میفرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگیهای مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا میداند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا
و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا
می گیرند

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
آنان را دوست می دارند مانند دوستی خدا

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ
اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت
بیشتری دارند.^۲

آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه ای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز میشود.

۱ پیروی از خداوند:

نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.

برخی میگویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام میکند: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناہانتان را ببخشد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
امام صادق فرمودند:

ما احب الله من عصاه: کسی که از فرمان خدا سرپیچی میکند، او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی میکند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

۲ دوستی با دوستان خدا:

اگر میخواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون تر میشود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان میباشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

۳ بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان:

عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هر چه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است. عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بودهاند. همه پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمیشود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند. از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند. امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملتها را زیر پا میگذارند و آنان را از حقوق شان محروم میکنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد. پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هر چه دوستی با خدا عمیقتر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است.

امام خمینی برمبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان اینگونه سفارش میکنند:

«باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».

درس دهم

یاری از نماز و روز

خدای مهربان برای زندگی ما انسانها برنامه ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان میتواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از اینرو، خدای متعال برخی از فایده های مهمترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است.

خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارتند از:

۱ یاد خدا

۲ دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

تقوا

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیرمؤمنان علی بیان فرموده است، ذکر میکنیم. ایشان میفرماید:

مثل انسانهای بی تقوا مثل سوارکارانی است که سوار بر اسبهای چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته اند؛ به بالا و پایین میپرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می افکنند و اما مثل آدم های باتقوا، مثل سوارکارانی است که بر اسب های رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند."

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت میرسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است. این لجام گسیختگی و سرکشی در انسان بی تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟

"تقوا" به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان باتقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت میکند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمیگذارد نفس با سرکشی او را در دره های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می کوشد روزه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد.

اکنون این سؤال پیش میآید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟ قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب میشود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم میفرماید:

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و نماز را برپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد
و قطعاً یاد خدا بالاتر است،
و خدا می داند چه می کنید.

با این حال، برخی میگویند: «ما نماز میخوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده میکنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمیذاریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی ها و منکرات است؟»

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد

امام صادق میفرماید:

«هرکس میخواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود،

این نماز قبول شده است»

نتیجه اینکه:

اگر می بینیم که با خواندن نماز در حال دور شدن از گناهان هستیم، معلوم می شود نمازمان مورد قبول خدا قرار گرفته و اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم میشود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جستجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

اگر نماز را کوچک شماریم.

اگر نماز را کوچک شماریم و نسبت به آنچه در نماز می گوئیم و انجام میدهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از اینرو: اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد. اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگیهای ظاهری ما کمتر خواهد شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد. اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرتهای دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

برخی از نجاسات عبارتند از:

(۱) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳) ادرار و مدفوع انسان و حیوانهای حرامگوشتی که خون جهنده دارند.

(۴) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶) سگ و خوک، زنده و مرده

(۷) کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

(۸) شراب و هر مایع مستیآور، نجس است.

اعمالی که تأثیر نماز را از بین میبرند:

توجه کنیم که برخی کارها اثر نماز را از بین میبرند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

(۱) ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست»

(۲) غیبت کردن

پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد»

روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگتر باشد، تقوای بیشتری می طلبد.

روانشناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند.

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی میکند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا میکند که میتواند موانع درونی را کنار بزند و گامهای موفقیت به سوی

برترین هدفهای زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، "روزه" است. روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از

دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی ها بازدارد؛ خوشرفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم

نکند و مردم را از خود نرنجاند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود میرسد که قبل از ماه

رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر میشود. چنین فردی کمکم به جایی می رسد که احساس میکند که هر

کاری را که خداوند دستور داده است، می تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمیکند.

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود باشد که تقوا پیشه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲ کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمدا تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمدا تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳ اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد تقریباً ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴ اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد.

۵ اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی حدود ۵/۲۲ کیلومتر و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که میخواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نپی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

درس یازدهم

فضیلت آراستگی

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهبتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، مرتب بودن وضع ظاهر و توجه سن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه ح به نظافت و زیبایی آن است. انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و میکوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می کنند و همنشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت میبرند. پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش میکردند یعنی آراسته به زیبایی های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت میکردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می دانستند.

پیامبر همواره خود را معطر میکرد و سپس در جمع حاضر میشد یا به نماز می ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جد شما اینگونه لباسها را نمی پوشید.

امام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.

پیامبر به مردان میفرمود: سیبل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما میافزاید. پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش میکرد اما به زنان توصیه میکرد ناخن های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب میشود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد.

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی ها و کندروی ها کنترل میکند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانروی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از عالیق و نیازهای درونی بهگونه ای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می شوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی می کنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبرج می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

امام علی میفرماید:

«ببادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی»

زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه نالهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه میآورد؛ همانطور که اگر کسی به نعمت علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستمپیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد.

درس دوازدهم

زیبایی پوشیدگی

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از نگاه نگه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د) زنان باید پوشش خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

مثلا امام کاظم در جواب برادرش که پرسید: "دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟"

فرمود: "چهره و دست تا مچ"

همچنین از قرآن کریم به دست میآوریم که: این گونه پوشش سبب میشود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد ببینند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

قُلْ لَأَزُوْجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِيْنَ

يُدْنِيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ

ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ

فَلَا يُؤْذِيْنَ

وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا رَحِيْمًا

ای پیامبر،

به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو

پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند

این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند

و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است

و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.^۱

آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟ میدانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند. بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملتها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزشهای اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظفند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱ تمام بدن خود راه به جز صورت و دستها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲ پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک کننده باشد.

آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادبانه الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده اند و آن را لازمه دینداری شمرده اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را میپوشاندند و در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح می‌کوشند مانند حضرت مریم موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند.

فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی تالیف ایران عرضه

۱- اقدامات لازم برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه

(۱) تصمیم و عزم برای حرکت

(۲) عهد بستن با خدا

(۳) مراقبت

(۴) محاسبه و ارزیابی

۲- پیشنهادهای در مورد عهد با خدا

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم.

بعد از نماز، شب های قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود: حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا؛ «به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».

۴- از امیرالمؤمنین علی پرسیدند: زبرک ترین انسان کیست؟ فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

۵- نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دلبستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدمی جهت می دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیقتر و گسترده تر است

۶- علی (ع) میفرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

۷- دینداری بر دو پایه استوار است: تویی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیقتر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است.

۸- امام خمینی بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان اینگونه سفارش میکنند:

«باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».

۹- خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارتند از:

(۱) یاد خدا

(۲) دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

۱۰- «تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت میکند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمیگذارد نفس با سرکشی او را در دره های هولناک گناه بیندازد. انسان با تقوا، می گوشتد روزه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد.

۱۱- قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

۱۲- امام صادق میفرماید: «هرکس میخواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»

۱۳- برخی از نجاسات عبارتند از:

(۱) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

(۲ و ۳) ارادر و مدفوع انسان و حیواناتی که حرامگوشتی که خون جهنده دارند.

(۴) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

(۵ و ۶) سگ و خوک، زنده و مرده

(۷) کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

(۸) شراب و هر مایع مستیآور، نجس است.

۱۴- برخی کارها اثر نماز را از بین میبرند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

(۱) ناراحت کردن پدر و مادر: امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».

(۲) غیبت کردن: پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد».

- ۱۵- نه چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.
- ۱۶- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
- ۱۷- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد تقریباً ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.
- ۱۸- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد.
- ۱۹- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.
- ۲۰- وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:
- الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی حدود ۵/۲۲ کیلومتر و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.
- ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که میخواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.
- ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نپی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.
- ۲۱- آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، مرتب بودن وضع ظاهر و توجه سُن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه ح به نظافت و زیبایی آن است.
- ۲۲- عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروری ها و کند روی ها کنترل میکند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از علایق و نیازهای درونی به گونه ای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.
- ۲۳- ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت
- یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروری می شوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی می کنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبرج می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.
- ۲۴- گرچه عفاف، خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه نا اهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می آورد؛ همانطور که اگر کسی به نعمت علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوس رانان قرار گیرد.
- ۲۵- آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟ خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:
- الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

- ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.
- ج) استفاده از زینت و زیور آلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.
- د) زنان باید پوشش خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.



ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار آزمون کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »

